



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تبلیغ موفقیت در سائر و کارهای

تهیه و تنظیم:

بهی آقا بابایی

به سخنرانی از

آیت الله سید حسن طایفه امامی قدس سره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازو کارهای موفقیت در تبلیغ ۲

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سازوکارهای موفقیت در تبلیغ
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۵	ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ
۱۵	اشاره
۱۸	وظیفه‌ی عالمان دین
۱۹	اسوه‌های تبلیغ
۲۰	حضرت یوسف (ع) در مسیر تبلیغ
۲۰	رمزهای پیروزی یوسف (ع)
۲۰	اشاره
۲۱	۱- تقوا زمینه ساز تبلیغ
۲۴	میرزا علی آقا شیرازی نمونه‌ی تقوا
۲۴	اشاره
۲۵	۲- خدمت به مردم
۲۶	مبلغان معصوم (ع) در خدمت مردم
۲۷	خاطره‌ی تبلیغی
۲۷	اشاره
۲۹	۳- تثبیت علمیت
۳۲	حضرت یوسف (ع) مبلّغ خدمتگزار
۳۴	وظیفه‌ی امروز ما
۳۸	سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات

۳۸	مقدمه
۴۲	سرمشق های زنده ی تبلیغات
۴۲	اشاره
۴۳	(۱) بسیج قوا
۴۴	(۲) انذار
۴۶	(۳) روشنی هدف
۴۸	(۴) تواضع، شرط اساسی
۴۹	(۵) پرهیز از آلودگی
۵۱	(۶) پرهیز از منت گذاشتن
۵۲	یک خاطره
۵۳	رمز موفقیت
۵۴	پیامبر اسلام (ص) الگوی تبلیغ
۵۶	رسالت علامه مجلسی رحمه الله در سایه سار ثقلین
۵۶	هدایت مردم در پرتو تزکیه و تعلیم
۵۹	تلاش علامه برای زدودن آثار جاهلیت زمانه
۶۲	تمسک جدی علامه به قرآن و روایات برای اصلاح جامعه
۶۴	مراحل استفاده ی صحیح از احادیث عترت طاهره (ع)
۶۴	اشاره
۶۴	الف- گردآوری احادیث
۶۵	ب- تثبیت احادیث به وسیله ی اسناد
۶۶	ج- تبیین احادیث
۶۷	د- استفاده از قرآن برای سنجش احادیث
۶۹	ه- ترجمه ی احادیث
۷۰	توفیق علامه در اصلاح جامعه

۷۱	قوه ی اجرایی علامه برای اجرای طرح خود
۷۱	خدمات علامه مجلسی به جامعه تشیع
۷۶	منابع و مأخذ
۷۹	درباره مرکز

سازوکارهای موفقیت در تبلیغ

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور : سازوکارهای موفقیت در تبلیغ / سیدحسن فقیه امامی.

مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۴۹ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۵۱-۶:

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : فقیه امامی، سیدحسن، ۱۳۱۳ - ۱۳۸۹. -- وعظ

موضوع : مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق. -- نقد و تفسیر

موضوع : اسلام -- تبلیغات

رده بندی کنگره : BP۱۱/۶۲/ف۷س۲ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۲۵۰۳۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۶

مقدمه

ص: ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

تبلیغ یعنی آشنا نمودن مردم با احکام اسلامی و معارف الهی و بشارت دادن مؤمنان و انداز و هشدار مخالفان است.

قرآن مجید جایگاه تبلیغ را تا آنجا بالا برده که هدایت یک نفر را با هدایت همه ی مردم برابر دانسته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

«اینکه خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت فرماید، برایت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است». (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۴)

مطالب که پیش رو پیرامون دو سخنرانی از استاد بزرگوار حوزه علمیه، فقیه و مجتهد والا مقام، معلم اخلاق، مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (ره) در زمینه تبلیغ به نام های ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ و سرمشق های زنده تبلیغات و همچنین یک سخنرانی به نام رسالت علامه مجلسی (ره) در سایه سار ثقلین که در زمینه دفاع از علامه مجلسی (ره) می باشد. ان شاء الله توشه ای برای مبلغین بزرگوار در عرصه تبلیغ باشد.

ص: ۸

در پایان از سرور گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی (زیدعزه) که در بازخوانی مطالب ما را یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را دارم.

مهدی آقابابایی

نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۶ ق

اصفهان - حوزه علمیه ذوالفقار

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ**اشاره**

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ (۱)

۱- این سخنرانی در تاریخ ۹/۴/۱۳۷۹ در مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان، خطاب به روحانیون، طلاب و مبلغان ارجمند ایراد شده است.

ص: ۹

اهمیت تبلیغ

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا - مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا...» (۱) چه کسی از جهت گفتار بهتر است از کسی که به سوی خدا دعوت می کند و عمل صالح انجام می دهد...».

رکن اساسی دین تبلیغ است و هدف از بعثت انبیای الهی نیز جز این نیست.

خداوند استعدادهای فراوانی به انسان ها داده است. بعضی از این استعدادها در موجودات دیگر نیز به صورت محدود وجود دارد؛ اما در انسان به صورت بی نهایت موجود است. زمینه ی رشد در انسان ها فراوان بوده و از راه شکوفایی استعدادها که خود مبتنی بر تعلیم و تربیت و محیط مساعد و تلاش و کوشش است، می توان به مراحل عالی رشد و کمال دست یافت.

ص: ۱۰

خداوند متعال پیامبران خودش را یکی پس از دیگری برای همین هدف فرستاده است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ی اول نهج البلاغه می فرماید:

وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ [خداوند متعال] پیامبرانش را پی در پی به سوی مردم می فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جِبَلِيَّ آنان بود، بطلبند و به نعمت فراموش شده (توحید فطری) یادآوریشان کند و از راه تبلیغ با ایشان گفت و گو نمایند و عقل های پنهان شده را بیرون آورده به کار اندازند.».

یکی از اهداف فرستادن پیامبران بر اساس این تعبیر حضرت علی (ع) ، این است که دَفینه ها و ذخیره های مغزهای انسان ها را استخراج کنند و استعدادهایشان را شکوفا سازند؛ و پیامبران الهی چنین کردند.

پیامبر اسلام (ص) در دوران جاهلیت اعراب به رسالت مبعوث شد. در دوران جاهلیت، مردم از نظر اعتقادی، اخلاقی و علمی بسیار عقب مانده بودند و به برکت وجود پیامبر اکرم (ص) این مردم همه چیز پیدا کردند. هم از نظر فکری و هم در بعد تزکیه ی اخلاقی و نیز در بُعد اقتصادی تقویت شدند. آن ها مردمان منزوی بودند و به برکت پیامبر

ص: ۱۱

اکرم (ص) کار به جایی رسید که تا قلب اروپا پیش رفتند و آن جا را فتح کردند.

وظیفه ی عالمان دین

وظیفه ی تبلیغ دین که بر دوش انبیای الهی نهاده شده بود، بعد از آن ها به علمای دینی واگذار شده است.

وظیفه ی پیامبران الهی انذار بود. خداوند متعال در اولین فرازهای وحی به پیامبرش خطاب کرده، می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ (۱)؛ ای جامه خواب به خود پیچیده! برخیز و انذار کن» و همین پُست را به ما داده است. آن جا که می فرماید:

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟» (۲)

البته انذار متفرع بر تفقه است.

۱- مدثر / او ۲.

۲- توبه / ۱۱۲.

ص: ۱۲

انسان باید خودش از نظر دانش دینی سرشار باشد تا بتواند دیگران را ارشاد و انداز کند.

شاعر چه زیبا سروده است:

ذات نیافته از هستی بخشکی تواند که شود هستی بخش.

تا خود انسان درایت و فقاہت دینی نداشته باشد، نمی تواند دیگران را به دین هدایت کند.

فقه در اینجا، فقه به معنای اعم است نه فقه به معنای علم به احکام. فقهی که صاحب معالم آن را به «الفقه هو العلم بالاحکام عن ادلتها التفصیلیه» (۱) تعریف می کرد، در این جا منظور نیست. فقه به معنای اعم عبارتست از: آگاهی نسبت به تمام معارف دینی، اخلاقی و فروع فقهی. انسان با تسلط کامل بر این ها می تواند مردم را از جهالت بیرون آورد.

اسوه های تبلیغ

۱- معالم الدین، ص ۲۶.

ص: ۱۳

انبیای الهی که مأموریت تبلیغی داشته‌اند، برای ما الگو و اسوه هستند. باید دید آن‌ها در مسیر تبلیغ دین از چه سرمایه‌هایی استفاده کرده‌اند تا توانسته‌اند تحول به وجود آورند. با مطالعه‌ی قرآن کریم و شرح دعوت انبیای الهی می‌توان رموز موفقیت آن‌ها را کشف کرد.

حضرت یوسف (ع) در مسیر تبلیغ

قرار بود که حضرت یوسف (ع) محیط مصر را عوض کرده و ریشه‌ی شرک را در این سرزمین از بُن برکند. این تحول سیاسی در جامعه‌ی آن روز مصر کار ساده‌ای نبود. ایجاد تحول بنیادین در آن جامعه نیاز به زیرکی، فطانت، حسن تدبیر و تلاش وافر داشت و حضرت یوسف (ع) با ویژگی‌های شخصیتی، حسن تدبیر، تلاش و فداکاری خویش توانست این جامعه‌ی شرک‌آلود را اصلاح کند.

رمزهای پیروزی یوسف (ع)

اشاره

ص: ۱۴

با مطالعه ی آیات قرآن کریم می توان رمزهای موفقیت حضرت یوسف (ع) را در مسیر تبلیغ دین کشف کرد. او چه کرد تا وقتی که به مردم مصر فرمود: بگوئید: «لا اله الا الله»، تمام مردم به او گرایش پیدا کردند و به توحید روی آوردند؟ اینک رمزهای موفقیت او را بررسی می کنیم. باشد که ما را در مسیر تبلیغ دین یاری رسانند.

۱- تقوا زمینه ساز تبلیغ

حضرت یوسف (ع) چهل سال تلاش کرد تا توانست مردم را هدایت کند. آنچه در این چهل سال سرمایه ی کار او بود در درجه ی اول تقوا بود آن هم درجه ی بسیار بالا.

این که زمینه برای انحراف به تمام معنا برای یک جوان در عنفوان جوانی پیدا شود و او بتواند با نفس خویش مبارزه کند، کار آسانی نیست.

البته خدای متعال نیز او را یاری داد. حضرت یوسف (ع) در آن شرایط حساس تنها بر خداوند متعال تکیه کرد و در آن لغزشگاه های خطرناک نیز خداوند به فریادش رسید.

قرآن کریم شرح یاری خداوند را چنین بیان می کند:

ص: ۱۵

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ (۱) آن زن قصد او کرد؛ و او نیز- اگر برهان پروردگار را نمی دید- قصد وی می نمود.»

«وَإِلَّا- تَصِيرَفِ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَضْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۲)؛ و اگر مکر و نیرنگ آن ها را از من بازنگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.»

«وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳)؛ من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس، بسیار به بدی ها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند؛ پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

تا کسی دست به دامن خدا نشود، در این بحران ها و طوفان ها نمی تواند خودش را حفظ کند. حفظ تقوا در این موارد بسیار مشکل است و همین قداست و پاکی و عصمت بهترین زمینه سازی برای تبلیغ بود که حضرت یوسف (ع) در این قسمت در حد اعلای موفقیت بود.

۱- یوسف / ۲۴.

۲- یوسف / ۳۳.

۳- یوسف / ۵۳.

ص: ۱۶

زلیخا او را متهم کرد، ولی در دراز مدت با یاری خداوند اتهام برطرف شد و زلیخا اعتراف کرد که من مقصر بودم، و او پاک بود. (۱)

اگر ما در مسیر تبلیغ بهترین شیوه های تبلیغ را با بهترین بیان و سخنرانی داشته باشیم ولی تقوا نداشته باشیم، ذره ای نمی توانیم در شنونده اثر داشته باشیم.

۱- یوسف/۵۱.

ص: ۱۷

امام صادق (ع) می فرماید:

«إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا (۱)؛ دانشمند وقتی به علم خویش عمل نکند موعظه ی او از دل ها همچون باران روی سنگ صاف می لغزد [و در قلب ها نفوذ نمی کند].»

باران که از آسمان می آید، استعدادهای زمین را شکوفا و بارور کرده، آن را شاداب می کند، اما هرگاه روی سنگ خارا بریزد، آن را ظاهراً و برای مدت کوتاهی خیس می کند ولی در آن نفوذ نمی کند و هیچ اثری ندارد.

اگر در باطن مبلّغ تقوا نباشد، موعظه های او چون بارانی است که بر روی سنگ خارا می ریزد و تأثیری در دل مخاطبان او ایجاد نخواهد کرد.

ما افراد زیادی را دیده ایم که بیان آن چنانی نداشته اند ولی تقوایشان موجب شده است که آن ها کلمه ای بگویند و آن کلمه کار صد منبر را انجام دهد.

میرزا علی آقا شیرازی نمونه ی تقوا

اشاره

۱- الحیاه، ج ۱، ص ۱۱۳.

ص: ۱۸

مرحوم شهید مطهری (ره) وقتی با آقای میرزا علی آقا شیرازی (ره) برخورد می‌کند، تحول عجیبی در روح او بهوجود می‌آید. باید دید این تحول عظیم از کدام ناحیه حاصل شده است. مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی (ره) آدم نطّاق و سخنوری چون سید جمال‌الدین اسدآبادی (ره) نبود؛ ولی آن حقیقت و تقوا و واقعیت او بود که روی کلماتش اثر گذاشته و کلمات او در جان‌ها نفوذ می‌کرد.

۲- خدمت به مردم

حضرت یوسف (ع) ابتدا در زندان انفرادی بود. زلیخا دستور داده بود مدتی حضرت یوسف (ع) را تحت فشار و شکنجه قرار دهند، شاید از این راه متنبه شده و به او گرایش پیدا کند؛ ولی این فشارها در او اثر نکرد. چون زلیخا در باطن علاقه‌ی شدیدی به یوسف (ع) داشت تحملش تمام شد و دستور داد حضرت را به زندان عمومی ببرند. حضرت یوسف (ع) در زندان عمومی با ۱۴۰۰ نفر هم‌زندان بود. آن حضرت در زندان حلال مشکلات زندانیان بود، در بیماری پرستارشان بود، عیادتشان می‌کرد و در هنگام احتیاج، نیازهای آنان را مرتفع می‌کرد و همیشه انیس زندانیان بود و با غمخواری گرد و غبار غم

ص: ۱۹

و اندوه زندان را از آنان می زدود. او برای کسانی که به هیچ جایی دل‌بستگی نداشتند پناهگاه خوبی بود. خدمات حضرت یوسف (ع) موجب جذب زندانیان به سوی او بود. جملات دو زندانی که از حضرت یوسف (ع) تعبیر خواب خود می خواستند، گویای خدمات او در زندان است. آن دو زندانی گفتند:

«بُنِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۱)؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.»

فعل «نراک» مضارع است؛ یعنی، ما پیوسته تو را در حال احسان و خدمت می بینیم. این عبارت کاشف از این است که حضرت یوسف (ع) خدمات مستمری در زندان داشته است.

راز موفقیت یک روحانی این است که به مردم خدمت کند.

مبّلمان معصوم (ع) در خدمت مردم

پیامبر (ص) ائمه ی طاهرین (ع) قطع نظر از شیوه های تبلیغی شان، خدمات عجیبی به مردم می کردند که این ها خود زمینه ساز پذیرش دعوت و هدایت مردم و گرایش معنوی به سوی آن ها بود.

ص: ۲۰

وقتی امام سجاد (ع) را غسل می دادند، دیدند علاوه بر این که هفت موضع سجده ی او پینه دارد، پشت حضرت نیز پینه بسته است. معنای این عمل این است که همان طور که باید در مسیر عبادت تلاش وافر داشت، در مسیر خدمت به جامعه نیز این چنین باید تلاش کرد. در این صورت است که تبلیغات اثر می گذارد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خانه ی یک پیرزن می رود و بچه داری می کند تا بیرون نان بپزد. این خدمت حضرت علی (ع) به آن پیرزن از صد منبر اثرش بیشتر است. این یک امر طبیعی است که «الانسان عبید الاحسان».

خاطره ی تبلیغی

اشاره

در اولین سفر تبلیغ - که خدا توفیق تبلیغ داده بود- چون از منبر رفتن در شهر خجالت می کشیدم به یکی از روستاهای اطراف اصفهان رفتم تا راحت تر بتوانم صحبت کنم. مرد سابقه داری آن جا بود که فوت شده بود. آن ها کسی را نداشتند. وقتی به آن جا رفتم، در محل دودستگی بود. یک عده می خواستند مرا به این مسجد ببرند و عده ای دیگر خواهان رفتن به مسجد دیگر بودند.

ص: ۲۱

انتخاب هر یک از این دو اسباب دردسر و زحمت می شد. چون محیط کوچک بود و به خاطر رقابت هایی که وجود داشت، غائله ای به وجود می آمد. گفتم روزها به این مسجد و شب ها به آن مسجد می آیم. این سبب شد مردم یک محله روزها به مسجد محله دیگر بیایند و شب ها بالعکس میزبان افراد محله دیگر باشند.

چند روزی که از ماه مبارک رمضان گذشته بود و در بین اهالی هماهنگی و انسجام ایجاد شد، تصمیم گرفتم به حمام محل بروم. حمام را قُرق کردند تا به حمام برویم. وقتی داخل حمام رفتم از بوی عفونت خزینه امکان رفتن به داخل آن نبود و آب آن یقیناً مضاف بود از وسط حمام لباس هایم را پوشیدم و برگشتم.

شب منبر رفتم و به اهالی گفتم: شما چطوری حمام می روید؟ وضع حمامتان بسیار ناهنجار است. پیشنهاد می کنم یک حمام مناسب بسازیم. پیرمردی زمین حمام را داد و کار را شروع کردیم.

روز آخر ماه رمضان دیوارهای حمام تا زیر سقف رسیده بود. روز عید فطر مقداری پول به عنوان دستمزد برای بنده جمع کرده بودند و به من دادند. من همان جا معمار و مسئول کار ساختمان حمام را خواستم و پول را به او دادم و گفتم: به اندازه ی این پول، چند روزی به خاطر ثواب برای من کار کن. وقتی مردم دیدند که هر چه به من داده

ص: ۲۲

بودند برای کار حمام دادم، آن‌ها نیز به این کار خیر بیشتر تشویق شدند.

وقتی می‌خواستم از آن روستا بیرون بیایم، یکی از حاجی‌های روستا پانصد تومان که آن وقت ارزش زیادی داشت، داخل پاکت گذاشت و به من داد تا برای خودم باشد و آن را خرج حمام نکنم. اما همین که به اصفهان آمدم، قبل از رفتن به خانه به کوره‌ی آجرپزی رفتم و با آن پول آجر خریداری کرده و به روستای محل تبلیغ فرستادم. بعد از ۳۵ سال هنوز اثر آن کار تبلیغی در آن روستا هست؛ یعنی، یک کار مثبت بیش از ۳۰ روز سخنرانی در ماه رمضان اثر داشته است.

۳- تثبیت علمیت

یکی از رازهای موفقیت حضرت یوسف (ع) بعد از مسئله‌ی تقوا و خدمات اجتماعی این بود که، علمیت خودش را تثبیت کرد.

این که مردم احساس کنند که گوینده از روی علم صحبت می‌کند، امر بسیار مهمی است.

قرآن کریم ماجرای گفت و گوی دو زندانی و حضرت یوسف (ع) را چنین بیان می‌کند:

ص: ۲۳

«بَنُّنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُزْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ... (۱)؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم. [یوسف (ع)] گفت: پیش از آن که جیره ی غذایی شما فرا رسد از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت، این از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است...».

فرمود: خدا این علم را به من داده است. این جا علمیت خودش را ثابت کرد و نتیجه را آن جا گرفت که عزیز مصر خواب عجیبی دید و کاهنان، علماء، ریاضیین و ... نتوانستند آن را تعبیر کنند و گفتند:

«أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَانَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ (۲)؛ خواب های پریشان و پراکنده ای است و ما را از تعبیر این گونه خواب ها آگاه نیستیم.».

آن ها بر اثر جهالتشان می گفتند: خواب پریشان است. ولی یکی از دو رفیق زندانی حضرت یوسف (ع) در دربار، ساقی بود. او گفت: در

۱- یوسف / ۳۶ و ۳۷.

۲- یوسف / ۴۴.

ص: ۲۴

زندانی کسی بود که علم داشت. او به سراغ حضرت یوسف (ع) آمد و گفت:

«يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَ سَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخْرًا يَأْسَاتُ... (۱)؛ یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره ی این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه ی تر و هفت خوشه ی خشکیده [در بر می گیرند]...»

حضرت یوسف (ع) چنین تعبیر کرد که: هفت سال قحطی می شود و هفت سال سبز سالی. در هفت سال قحطی تمام ذخیره های هفت سال سبز سالی را مردم می خورند.

عزیز مصر برای جبران گذشته و سختی هایی که بر یوسف (ع) وارد کرده بودند، از یوسف (ع) خواست کاری را در دربار بپذیرد. فرمود:

«اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۲)؛ مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرارده، که نگه دارنده و آگاهم.»

۱- یوسف / ۴۶.

۲- یوسف / ۵۵.

ص: ۲۵

او با عبارت «حَفِیْظُ عَلَیْمٍ» دو چیز را اثبات کرد: یکی امانت خود و دیگر علم خویش را.

یکی از رموز موفقیت شما مبلغان عزیز نیز همین است که مردم احساس کنند از سرچشمه‌ی پرفیضی بهره می‌گیرند. اگر توانستید مایه‌های قوی علمی کسب کنید موفق خواهید بود.

حضرت یوسف (ع) مبلغ خدمتگزار

وقتی حضرت یوسف (ع) وزیر کشاورزی شد، گفت: امسال رود نیل طغیان می کند و شما کشاورزان نمی توانید تمام زمین هایتان را زیر کشت ببرید، پس اگر دلتان خواست زمین هایتان را به دولت واگذار کنید تا دولت آن زمین ها را زیر کشت ببرد و پنجاه درصد درآمد آن مال کشاورز و سی درصد از آن صاحبان زمین و بیست درصد هم مال دولت باشد.

مردم زمین ها را به یوسف (ع) دادند، بعد از برداشت محصول، حضرت دستور داد بیست درصد سهمیه دولت را با خوشه ها انبار کنند تا بماند تا هفت سال کشاورزی را به عهده گرفت و گندم ها را در سیلوها ذخیره کرد. سال هشتم قحطی شد. در سال اول قحطی مردم مقداری ذخیره کرده بودند و بعضی هم گندم احتکار کرده بودند. حضرت دستور داد انبار گندم را به روی مردم باز کردند و با این تدبیر نرخ پایین آمد و احتکار کنندگان راه به جایی نبردند. همان سال اول گندم های مردم تمام شد. سال دوم مردم پول آوردند و گندم خریدند. سال سوم چون پول نداشتند، خانه های خود را به حضرت یوسف (ع) واگذار کردند و گندم گرفتند. در طول هفت سال قحطی تمام مایملک مردم از خانه، فرش، ظرف، سرمایه، باغ و ملک، تمام این ها به

ص: ۲۷

حضرت یوسف (ع) واگذار شد. به این صورت که قباله ها را می آوردند و به یوسف (ع) می دادند و گندم می گرفتند.

پس از هفت سال قحطی، دوباره رود نیل طغیان کرد. مردم برای کشت هیچ نداشتند. از زمان وزارت حضرت یوسف (ع) چهارده سال می گذشت. مردم را جمع کرد و گفت: «امسال سالی است که باید زراعت کنید.

گفتند: چیزی نداریم، نه زمین، نه خانه و نه باغ. همه اش مال دولت است.».

حضرت پرسید: آیا من در طول این چهارده سال به شما احسان کردم؟

گفتند: اگر تو نبودی! از قحطی مرده بودیم.

گفت: تمام آنچه را که به دولت واگذار کردید، به شما بخشیدم. هر کس بیاید قباله هایش را بگیرد و برود. پس از چهارده سال خدمت خالصانه گفت: «قولوا لا اله الا الله».

مردمی که از او خدمت خالصانه، پاکی، امانت و علم دیده بودند، تسلیم شدند. راه موفقیت در تبلیغ این است.

وظیفه ی امروز ما

ص: ۲۸

امروز کفر با تمام تجهیزات بسیج شده است. در روزنامه ها نوشته بودند که ۱۰۰ کشور دنیا با هم هماهنگ شده اند تا برای استقبال از دموکراسی مجلسی تشکیل دهند، این کار معنا دارد. معنایش این است که دنیا دست به دست هم می دهد تا ریشه ی دین کنده شود.

در چنین شرایطی یک دل خوشی وجود دارد و آن این که آن ها به مو می رسانند، ولی خدا نمی گذارد که پاره شود.

خداوند حفظ می کند. ولی باید متذکر این نکته نیز بود که این مطلب از ما اسقاط تکلیف نمی کند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: اگر فکر می کنید که یک روزی از قدرت خودمان استفاده می کنیم و ریشه ی دشمنان را می کنیم، این را از گوشتان بیرون کنید. دشمنان انبیاء باید آزاد باشند تا خدا آن ها را آزمایش کند. انبیای الهی همه دشمن داشتند.

قرآن کریم می فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (۱)؛ این چنین در برابر هر

پیامبری،

ص: ۲۹

دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آن‌ها به طور سرّی (و در گوشه‌ی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند.»

نمونه‌ی کمک دادن شیطان‌های جنی و انسی به یکدیگر در جریان هجرت پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاد. در جریان هجرت، کفار مکه با هم نشستند تا طرح قتل پیامبر اکرم (ص) را بریزند. شیطان در شکل پیرمرد نجاری ظاهر شد و گفت: اگر می‌خواهید او را بکشید، راهش این است.

به عبارت «زخرف القول» در آیه‌ی فوق توجه کنید. زخرف یعنی طلا و زخرف القول یعنی قول طلایی.

وقتی می‌خواهند بگویند جمله‌ای خیلی زیبا و فریبنده است، می‌گویند «زخرف القول» است.

دشمنان وقتی می‌خواهند مردم را فریب دهند، از «زخرف القول» استفاده می‌کنند و بهترین قلم‌ها و بیان‌ها را استخدام کرده به جان جامعه می‌اندازند و مردم را فریب می‌دهند.

الان قلم‌ها و بیان‌های قوی و فریبنده‌ای استخدام شده است و در روزنامه‌ها و از طریق تریبون‌ها با بیانات شیوا مردم را می‌فریبند.

ص: ۳۰

دانشگاه جایی است که با سوادهای جامعه غربال شده و نخبگان آن ها به آن وارد شده اند. جوانان خوش فکر در دانشگاه هستند و امروز دشمن در دانشگاه لانه کرده است، یعنی؛ روی قشر جوان غربال شده ی جامعه سرمایه گذاری کرده است. آن ها با زخرف القول جلو آمده اند و وظیفه ما بسیار سنگین است. گر چه قدرت و گروهمان کم باشد، در صورتی که تلاش کنیم، خداوند کمکمان خواهد کرد:

«كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (۱) ما نباید مأیوس شویم، بلکه باید دست به دامان ولی عصر^ع شویم و زیر بناهای تبلیغی را فراهم کرده، دردهای جامعه را بفهمیم، بیماری های عقیدتی و اخلاقی را ارزیابی کنیم، علاج ها را کاملاً در نظر بگیریم و با صبر و استقامت در مقابل این طوفان خطرناک مقاومت کنیم: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۲)

۱- بقره/۲۴۹.

۲- محمد ۷/۱۱. اگر آئین خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

ص: ۳۱

انبیای الهی رنج کشیدند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ما اودی نبی مثل ما اودی»^(۱) آن ها راحتی را برای خودشان حرام کردند.

ما نیز باید خواب را بر خودمان حرام کنیم و بی وقفه کار کنیم.

انشاء الله خداوند به همه ی ما توفیق دهد تا از حریم دین دفاع و دل امام زمان را خوشحال کنیم.

سرمشق های زنده ی تبلیغات

مقدمه

سرمشق های زنده ی تبلیغات^(۲)

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۷. گفت پیغمبر بهر کهل وصبی مثل ما اودیت ما اودی نبی آن اذیت ها که شد وارد به من کس نداند جز خدای ذوالمنن

۲- این سخنرانی در تاریخ ۳۰/۴/۱۳۷۹ در مرکز آموزش های تخصصی تبلیغ حوزه یعلمیة ی اصفهان ایراد شده است.

ص: ۳۳

قرآن کریم می فرماید:

«فَلَوْلَا - نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱)؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند. شاید آن ها بترسند.»

شغل طلاب علوم دینی، شغل انبیاء است. هدف از تفقه در حوزه های علوم دینی باید تبلیغ و انداز قوم باشد تا مردم تحت تأثیر همین تبلیغات ساخته شوند.

از آن جا که حرکت تبلیغی ما، ادامه ی حرکت تبلیغی انبیای الهی است باید روش انبیاء را در تبلیغ دین، الگوی خویش قرار دهیم.

ص: ۳۴

خداوند متعال برنامه های تبلیغی انبیاء را در قرآن کریم منعکس کرده است و ما می توانیم شیوه های تبلیغ را از قرآن فرا گیریم. به عنوان نمونه اولین آیات وحی در غار حرا بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، که:

«أَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (۱)

خداوند متعال با اولین آیات وحی به پیامبرش می آموزد که مسأله ی دین بر مبنای علم است و پیامبری که می خواهد دین را تبلیغ کند، ابتدا باید قرائت و خواندن را تمرین کند.

پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت اولین فرازهای وحی خسته و کوبیده به سوی خانه روانه می شود. غار حرا در دامنه ی کوه صعب العبوری است و پایین آمدن از آن پیامبر را خسته کرد، وقتی به خانه می رسند، می خوابند تا قدری بیاسایند. جبرئیل امین نازل می شود و اولین آیه هایسوره ی مدثر را برای او قرائت می کند. این آیات، برنامه ی بیست و سه سال تبلیغ پیامبر اکرم است. فرامین شش گانه ی مطرح شده در این سوره، همیشه سرمشق هایزنده ای برای تبلیغات

۱- علق / ۱۵.

ص: ۳۵

دینی است. اینک فرامین شش گانه ی خداوند در رابطه با تبلیغ را به عنوان سرمشق های زنده ی تبلیغات مطرح می کنیم.

سرمشق های زنده ی تبلیغات

اشاره

ص: ۳۶

خداوند متعال در سوره ی مدثر می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبُّكَ فَكْبَرُ * وَثِيَابِكَ فَطَهَّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ؛ ای جامه بر خود پیچیده! برخیز و انذار کن و پروردگارت را بزرگ بشمار و لباست را پاک کن و از پلیدی دوری کن و منت مگذار و فزونی مطلب و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن.»

(۱) بسیج قوا

ص: ۳۷

خداوند متعال در اوّلین دستور خود می فرماید: «قُم فانذر». گرچه کلمه ی قیام در لغت به معنای ایستادن است؛ ولی منظور از کلمه ی «قُم» در این جا این نیست که الان پا شود و بایستد. انسان وقتی بخواهد کاری انجام دهد، باید تمام نیروهای خود را بسیج کند؛ مثلاً، در جنگ باید آنچه را در توان دارد، برای مبارزه با دشمن صرف کند. در رختخواب و به صورت نشسته نمی توان با دشمن جنگید. چون انسان در حالت خواب بر همه ی قوای خود تسلط ندارد. اگر نشست، مقداری از نیروها در اختیارش می آید. اگر ایستاد، بر تمام قوا مسلط شده و می تواند با دشمن بجنگد.

کلمه ی «قُم» اشاره به همین معنا دارد؛ یعنی، یا رسول الله اینک که می خواهی برای تبلیغ آماده شوی، باید تمام نیروهایت را بسیج کنی تا بتوانی وظیفه ی تبلیغ را به انجام رسانی.

۲) انذار

ص: ۳۸

وظیفه ی دوم انذار است. فرمود: «قُمْ فَاذْذِرْ؛ بایست پس انذار کن.» انذار کنایه از تبلیغ است، زیرا تبلیغ مراحل دارد و اولین مرحله اش انذار است. اگر بخواهیم روی یک تابلو که قبلاً چیزهایی ترسیم شده است، چیزی را ترسیم کنیم، باید اول نوشته ها و نقش های پیشین را پاک کنیم. با وجود آن هانمی توان به هدف رسید. انبیای الهی نیز اول باید انذار کنند تا به وسیله ی آن، مرحله ی تخلیه صورت گیرد و نوبت به مراحل تخلیه و تجلیه برسد.

قرآن کریم درباره ی پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«يُرْكَبُهَا وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (۱)

بدون انذار تزکیه تحقق پیدا نمی کند و تا تزکیه نباشد تخلیه نمی شود.

در ابتدا بهترین راه تبلیغ استفاده از شیوه ی انذار است، به صورتی که لرزه بر اندام مستمع اندازد، در این صورت مستمع بیشتر خواهد شد.

ص: ۳۹

برای تزریق آمپول به بدن، اول باید پوست بدن به وسیله ی سوزن شکافته شود. تا پوست شکافته نشود، امکان انتقال مواد به داخل رگ وجود ندارد. برای ورود موعظه به قلب شنونده نیز اول باید قلب او شکافته شود. تا گوینده، قلب شنونده را قبضه نکند، موعظه اثر نمی گذارد.

یکی از شیوه های قبضه کردن قلب مخاطب، انذار است.

مثلاً، اگر در شب های قدر بخواهد مردم را وادار به توبه کند، اول باید قدری آن ها را انذار کند و مسائلی از قبیل: مرگ، سكرات مرگ، شب اول قبر، فشار قبر، جهنم، ملائکه ی غلاظ و شداد و ... را مطرح کرده و قلوب آن ها را آماده ی پذیرش بحث توبه کند، آن وقت موعظه اش اثر می گذارد.

(۳) روشنی هدف

امروزه دنیا، دنیای تبلیغات است و برای کارهای تبلیغاتی هزینه های فراوان می شود. به عنوان نمونه شهرداری برای تبلیغ از یک شغل یا یک کالا آن هم فقط روی یک تابلو در یک جای غیر حساس شهر، چهارصد هزار تومان دریافت می کند و اگر بخواهد در جای حساس شهر آن را نصب کند، میلیون ها تومان پول می گیرد بسیاری از

افراد این پول را می پردازند این هائشانه ی اهمّیت تبلیغات در دنیای معاصر است.

مبلّغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

آیه ی شریفه «و ربك فكبر» هدف تبلیغ را تبیین می کند. این آیه می خواهد به پیامبر اکرم (ص) بگوید که: الان مردم در اثر جهل، خدا را آن قدر پایین آورده اند که او را در حد یک بت قرار داده و پرستش می کنند. تو باید آن قدر کار کنی تا خدا را در نظر مردم بزرگ جلوه دهی. [آنچنان که هست].

مردم تا به این دنیا چسبیده اند، رشد نمی کنند. باید کاری کنیم که این دنیا و آنچه که در آن است در نظر مردم بی ارزش باشد، تا رشد پیدا کنند. باید کاری کرد که مردم خدا را بزرگ بشناسند و تسلیم او شوند. این که در هر جایی از نماز «الله اکبر» می گوئیم معنایش چیست؟ برای قرائت، رفتن به رکوع، رفتن به سجده و ... «الله اکبر» می گوئیم. معنایش این است که اعمالی که انجام می دهیم، بر مبنای «تسلیم الی الله» است و تا خدا را بزرگ تر از همه چیز ندانیم، آن حالت تسلیم محض برای ما پیدا نمی شود.

ص: ۴۱

هدف از تبلیغ توجّه مردم به سوی خداست و برای رسیدن به این هدف باید خدا را بزرگ معرفی کرد تا مردم از غیر خدا جدا شوند و به سوی خدا و معنویت هدایت شوند.

۴) تواضع، شرط اساسی

یکی از شرایط اساسی مبلّغ، تواضع و فروتنی است.

در ذیل آیه یشریفه ی «وَتِيَابِكْفَطَهْرٌ» مفسرین فرموده اند: مردم خیلی متکبر بودند و این تکبرشان بر اساس جهل بود. لباس هایشان را خیلی بلند می دوختند. به گونه ای که هنگام راه رفتن به زمین کشیده شده و آلوده می گردید.

در همین زمان هم موارد مشابه وجود دارد. زمانی که شاه معدوم می خواست با فرح ازدواج کند، پیراهنی در فرانسه برای فرح دوختند. وقتی آن را پوشید، نمی توانست راه برود. دو نفر می آمدند، یکی این طرف پیراهن و دیگری آن طرف پیراهن را بالا می گرفت تا او بتواند راه برود. این نحوه لباس پوشیدن برای اظهار بزرگی و عظمت بود.

خداوند متعال برای این که پیامبر اکرم (ص) را متوجّه مسأله ی تواضع کند، با کنایه می فرماید: «وَتِيَابِكْفَطَهْرٌ» یعنی باید کاری کنی

ص: ۴۲

که لباس آلوده نشود؛ یعنی، باید لباس هایت را کوتاه بگیری تا آلوده نشود و این کنایه از تواضع است.

کسی که می‌خواهد مردم را ارشاد و راهنمایی کند، باید مردمی باشد. برای مردمی شدن باید واقعا با مردم آمیخته شد. تا مبلغ تواضع پیدا نکند، نمی‌تواند مردمی باشد و در آن‌ها اثر بگذارد.

موفق‌ترین مبلغین کسانی بودند که با مردم آمیخته بودند، در میان مردم بودند و با مردم معاشرت داشتند.

۵) پرهیز از آلودگی

خداوند متعال در پنجمین دستور خود در آیه شریفه ی «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» پیامبر خویش را از آلودگی‌ها بر حذر می‌دارد. هر یک از آلودگی‌های فکری، اخلاقی و عملی موجب عدم موفقیت مبلغ در امر تبلیغ دین است. زیرا نقطه ضعف‌های عقیدتی، اخلاقی و عملی، قوی‌ترین عامل برای خنثی کردن تبلیغات است. اخلاق بد مبلغ موجب می‌شود زحماتش بر باد رود. عقیده‌ی انحرافی و یا عمل بد و معصیتی که از مبلغ سر می‌زند، نیز این چنین است.

این که می‌گوییم: انبیاء و ائمه‌ی اطهار (ع) باید عصمت داشته باشند و حتی سوء سابقه از طفولیت تا هنگام مرگ نداشته باشند «چه

در گناه کبیره، و چه در گناه صغیره، چه به صورت عمدی یا سهوی» برای همین امر است.

حضرت موسی (ع) وقتی که می خواست، به تبلیغ برود، فرمود: «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (۱)؛ خداوند به او فرمود: برای تبلیغ به سوی مصر حرکت کن؛ و او می خواهد بگوید خدایا! من یک سابقه دارم و نمی توانم آن جا بروم؛ من آدم کشته ام. ولو به حق کشته بود ولی می گوید می ترسم آن جا بروم و آن ها بخواهند قصاص کنند و من به هدف نرسم.

اتفاقاً وقتی حضرت موسی (ع) با فرعون مواجه شد، فرعون انگشت روی همین نقطه ضعف گذاشت و گفت: تو همان نیستی که آدم کشتی؟ وقتی فرعون می خواهد تبلیغات حضرت موسی (ع) را خنثی کند، مسأله پیرونده ی قتل آن قبلی را مطرح می کند و این خیلی مهم است. البته حضرت موسی (ع) گناهکار نبود ولی فرعون و اطرافیان او، او را گناهکار می دانستند و از این فرصت استفاده می کردند.

باید بهترین و پاک ترین افراد در مسیر تبلیغ گام بر دارند تا نقطه ی ضعفی از گذشته خود در طول زندگی نداشته باشند.

ص: ۴۴

کسی می تواند در جامعه تبلیغ کند که به‌عنوان فرد آلوده و منحرف شناخته نشده باشند.
مبلغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه‌ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

۶) پرهیز از منت گذاشتن

در رابطه با آیه یکریمه‌ی: «وَلَا تَمُنُّنَّ سِتْرَكُمُ» دو نکته قابل توجه است:

الف منت گذاشتن بر مردم، موجب خنثی شدن عمل است.

قرآن کریم می فرماید:

«لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (۱)؛

اگر کسی صدقه بدهد و بعد از آن منت بگذارد، صدقه اش را بی اثر می کند.

اگر مبلغ نیز مردم را ارشاد کرد و بر سر آن‌ها منت گذاشت، اثر تبلیغات او خنثی می شود.

ص: ۴۵

ب یکی از چیزهایی که انسان را از کار باز می‌دارد، این است که فکر کند به مرحله‌ی نهایی رسیده است.

مبلغ نباید فکر کند که کار مهمی کرده است. او نباید خدمات خودش را جلوه داده و بگوید من چنین و چنان کردم.

او نباید فکر کند که به مرحله‌ی نهایی از خدماتی که باید انجام می‌داد رسیده است؛ زیرا هر مقدار که انسان تلاش کند، باز هم کم است. اگر انسان بار مسئولیت را احساس کند، واقعا می‌فهمد که در مقابل آن مسئولیت خطیر الهی کاری نکرده است.

یک خاطره

علامه‌ی مجلسی ظرف ۶۳ سال عمر خود خدمات بزرگی انجام داده است. او یک دوره بحار را نوشت که فقط خواندنش برای ما مشکل است تا چه رسد به این که بخواهیم جمع آوری کنیم، بخوانیم، بنویسیم و تحقیق و ترجمه کنیم. سید نعمت الله جزایری مدت هشت سال در اصفهان بود و در مدرسه‌ی خالصیه تدریس می‌کرد. علامه‌ی مجلسی به حاج محمدتقی دولت آبادی دستور داد برای تدریس سید نعمت الله جزایری این مدرسه را بسازد. قبل از این که این مدرسه ساخته شود، سید نعمت الله جزایری در خانه‌ی

ص: ۴۶

علامه ی مجلسی مشغول کار بود. سید نعمت الله می گوید: «سه ساعت بعد از نیمه شب بود. صدای در را شنیدم. فهمیدم کسی غیر از علامه ی مجلسی نیست. در را باز کردم. علامه وارد خانه شد و گفت: من در یک جمله از روایتی گیر کرده ام، نظر شما چیست؟».

وقتی انسان این کار شبانه روزی را می بیند، واقعاً احساس حقارت می کند.

اگر شبانه روز تبلیغ کنیم، باید این احساس را داشته باشیم که هنوز هم کاری نکرده ایم.

رمز موفقیت

ص: ۴۷

آخرین و مهم ترین دستور خداوند متعال بعد از مراحل شش گانه ی فوق سفارش به صبر و بردباری در راه خداست «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» تبلیغ دین کار سختی است و مشکلات عدیده ای دارد. ناراحتی ها، خستگی ها و کوفتگی ها دارد و اگر صبر نباشد، کسی در مراحل ذکر شده موفق نیست. اگر انسان طاقتش کم شود، نمی تواند هیچ کدام از دستورات یاد شده را اجرا کند.

صبر در امر تبلیغ از میان انواع سه گانه ی صبر (صبر در طاعت، صبر در مصیبت، صبر در معصیت) از نوع صبر بر طاعت خداوند است.

پیامبر اسلام (ص) الگوی تبلیغ

ص: ۴۸

پیامبر اسلام ﷺ دستورات الهی تبلیغ را در اولین فرازهای وحی گرفت و در طول بیست و سه سال آن‌ها را پیاده کرد. بر ماست که تک تک آن‌ها را از لابلای حوادث و جریانات زمان پیامبر اکرم ﷺ جست و جو کنیم.

باید دید که آن بزرگ منادی توحید چگونه قیام کرد؟

چگونه انذار کرد؟

چگونه خدا را تکبیر کرد؟

و چگونه از پلیدی‌ها پرهیز نمود؟

او چگونه تواضع کرد؟

و چگونه برای اجرای این دستورات الهی صبر پیشه کرد؟

نحوه‌ی رفتار پیامبر اکرم ﷺ در طول مدّت تبلیغ دینی‌اش برای ما الگوست.

ص: ۴۹

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۱) و برای شرح زندگانی پیامبر [بهترین سند خود قرآن است. تمام اعمال، برنامه‌ها و دستورات خداوند به پیامبر اکرم [در قرآن منعکس شده است.

باید دید خداوند به پیامبر اکرم [چه چیزی را نشان می‌دهد.

دستورات الهی به پیامبر اکرم [در رابطه با تبلیغ چیست و شیوه‌ی پیاده کردن آن‌ها از سوی پیامبر اکرم [چگونه است؟

که همه ی آن‌ها می‌تواند سرمشق‌هایزنده‌ای برای تبلیغات ما باشد.

رسالت علامه مجلسی رحمه الله در سایه سار ثقلین

هدایت مردم در پرتو تزکیه و تعلیم

۱- - احزاب / ۲۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

ص: ۵۱

بسم الله الرحمن الرحيم

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (۱)

بزرگترین رسالت انبیاء، تعلیم و تزکیه است. وقتی انبیاء احساس می‌کنند مردم در ضلالت هستند، طبق مأموریت بسیار سنگین و خطیری که دارند باید اقدام کنند و متناسب با شرایط زمان و مکان، نقش خود را در نجات مردم ایفا نمایند. رسالت فقهای اسلام، نیز همان رسالت انبیاء (ع) است: «الْفُقَهَاءُ أُمَّةٌ الرُّسُلِ» (۲) و خدا می‌داند

۱- جمعه ۲/۱. اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۲- الکافی، (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۴۶.

این وظیفه سنگین را به عهده ی چه ظرفیت هایی بگذارد، اعم از انبیاء و امناء الرسل: «اللَّهُ يَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ» (۱)

در این جا به دلیل بیان رسالت علامه مجلسی (ره)، به معرفی عظمت شخصیت ایشان می پردازیم:

تلاش علامه برای زدودن آثار جاهلیت زمانه

زمانی که این بزرگوار، مردم را در گمراهی و فساد غوطه ور می بیند، همان رسالت پیامبر اسلام را نسبت به جامعه به عهده ی خود احساس می کند. در طلوعه ی بحارالانوار چاپ تهران، علامه چنین می فرماید:

«و لَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ فِي غَايَةِ الْفَسَادِ، وَ وَجَدْتَ أَكْثَرَ أَهْلِهَا حَائِدِينَ عَمَّا يُؤَدِّي إِلَى الرِّشَادِ، خَشِيتُ أَنْ تَرْجِعَ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَى مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ النِّسْيَانِ وَ الْهَجْرَانِ، وَ خَفْتُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا التَّشْتُّتُ...» (۲)

۱- الکافی، (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص

۲- و لَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ فِي غَايَةِ الْفَسَادِ، وَ وَجَدْتَ أَكْثَرَ أَهْلِهَا حَائِدِينَ عَمَّا يُؤَدِّي إِلَى الرِّشَادِ، خَشِيتُ أَنْ تَرْجِعَ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَى مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ النِّسْيَانِ وَ الْهَجْرَانِ، وَ خَفْتُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا التَّشْتُّتُ لِعَدَمِ مَسَاعَدَةِ الدَّهْرِ الْخَوَّانِ، وَ مَعَ ذَلِكَ كَانَتْ الْأَخْبَارُ الْمُتَعَلِّقَةَ بِكُلِّ مَقْصَدٍ مِنْهَا مُتَفَرِّقًا فِي الْأَبْوَابِ، مُتَبَدِّدًا فِي الْفُصُولِ، قَلَمَّا يَتَسَيَّرُ لِأَحَدِ الْعُثُورِ عَلَى جَمِيعِ الْأَخْبَارِ الْمُتَعَلِّقَةَ بِمَقْصَدٍ مِنَ الْمَقْاصِدِ مِنْهَا، وَ لَعَلَّ هَذَا أَيْضًا كَانَ أَحَدَ سَبَابِ تَرْكِهَا وَ قَلَّ رَغْبَةُ النَّاسِ فِي ضَبْطِهَا. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، المدخل، ص ۲۴).

ص: ۵۳

به نظر ایشان شرایط، همان شرایط جاهلیت و دوران، دوران خطیری است و باید یک انسان مقتدر، برای اصلاح جامعه تلاش کند و در این راه از پیامبر و امانت و یادگار پیامبر کمک جوید. ضمن مراجعه به حدیث ثقلین که عامه و خاصه به حد تواتر آن را نقل کرده اند، در می یابیم کتاب الله و عترت رسول الله امانت پیامبر هستند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی.» (۱) گرچه بعضی از اهل سنت می گویند: «کتاب الله و سنتی» بسیار خوب ما روی هر دو مطلب بحث داریم: کتاب الله و عترت؛ کتاب الله و سنت.

اما کتاب الله، آیا کسی می تواند تنها با مراجعه به قرآن، مفاهیم واقعی کتاب الله را استنباط کند؟

۱- با استقرار و جستجوی مختصر پی می بریم که پیامبر اکرم (ص) این حدیث را در ۵ موضع ذکر فرموده اند: ۱- هنگام بازگشت از طائف در سال ۸ هجرت بعد از فتح مکه؛ ۲- روز عرفه، هنگامی که حضرت بر شتر قصواء خطبه می خواند؛ ۳- در مسجد خیف در منی در حجة الوداع؛ ۴- روز غدیر خم؛ در آخرین خطبه ای که پیامبر در روز شهادت خود ایراد فرمود. (مرجعیت دینی اهل بیت (ع) و پاسخ به شبهات، ص ۱۲۰-۱۲۱)

ص: ۵۴

خود قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (۱)، از آیه استفاده می‌شود که «يَتْلُو عَلَيْهِمْ» یک وظیفه و «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» وظیفه-ی دوم است. اگر خواندن متن قرآن به تنهایی و بدون نیاز به مفسری که مفاهیم عالی قرآن را تبیین نماید، کافی باشد، دیگر «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» معنی ندارد.

اما آشنا به معارف قرآن چه کسی است؟ «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ» (۲) قطب الخطاب قرآن، خود پیامبر (ص) است. از اول «الم ذَلِكَ الْكِتَابُ» تا آخر «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» در تمام مقاطع مخاطب شخص رسول الله است و اگر جایی خداوند با مردم سخن دارد، به وسیله‌ی پیامبر این ابلاغ را انجام می‌دهد و با یک کلمه‌ی «قُلْ» این معنی را می‌رساند. پس قرآن به تنهایی به عنوان امانت به دست دیگران سپرده نشده است؛ بلکه قرآن امانتی است که با قید «یعلمهم

۱- جمعه/۲.

۲- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

الکتاب» و با قید عترت و یا سنت، به فرض آن که روایت «انی تارکک فیکم الثقلین کتاب الله و سنتی» (۱) باشد، واگذار شده است. اهل سنت بعد از صد سال منع از نقل حدیث، به این نتیجه رسیدند که دانشمند و فقیه نمی‌تواند بی‌نیاز از حدیث باشد و لو خلیفه ی دوم اعلام کرده باشد: «حسبنا کتاب الله» (۲) علمای عامه با تمام احترام و اعتقادی که نسبت به خلیفه ی دوم قائل بودند، قاعدتاً نباید کلام او را نقض کنند و کتاب بخاری و مسلم و غیر ذلک را بنویسند و «صحاح سته» (۳) را تنظیم کنند. ولی احساس کردند که نمی‌توانند از حدیث و سنت بی‌نیاز باشند.

تمسک جدی علامه به قرآن و روایات برای اصلاح جامعه

- ۱- - موطأ مالک با شرح سیوطی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۹۳؛ روایت «کتاب الله و سنتی» هیچ سند صحیح و معتبری ندارد؛ زیرا این روایت را ۸ نفر از علمای اهل سنت نقل کرده‌اند که سند تمامی آنها ضعیف و خالی از اشکال نیست. (مرجعیت دینی اهل بیت (ع)، ص ۱۵۵)
- ۲- صحیح بخاری، باب ۱۷، ح ۱؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیه، باب ۶، ح ۸؛ صحیح بخاری، کتاب العلم، باب ۳۹، ح ۴.
- ۳- صحاح سته عبارتند از: ۱- صحیح بخاری، تألیف: ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)؛ ۲- صحیح مسلم، تألیف: ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، (م ۲۶۱ق)؛ ۳- سنن ابن ماجه، تألیف: ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ق)؛ ۴- سنن ابوداود، تألیف: ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، (م ۲۷۵ق)؛ ۵- سنن ترمذی، تألیف: ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی، (م ۲۷۹ق)؛ ۶- سنن نسایی، تألیف: ابوعبدالرحمان احمد بن شعیب نسایی، (م ۳۰۳ق).

ص: ۵۶

علامه ی مجلسی احساس شان این است که برای اصلاح جامعه؛ هم تمسک به قرآن لازم است؛ هم تمسک به عترت که مبین قرآن هستند.

ایشان در متن مقدمه ی بحار می فرماید: «من لمس کردم که گم شده های من در اخبار و احادیث اهل بیت (ع) است و جای دیگر خبری نیست. علت آن هم این است که علوم دیگران پشتوانه ی وحی ندارد و قابل اعتماد نیست؛ ولی گفتار ائمه (ع) برای آن که پشتوانه اش وحی است، قابل اعتماد می باشد، «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»^(۱) امتیاز ائمه هدی (ع) این است که گفتارشان از طریق مخاطب اصلی قرآن، مستند به وحی است و از خودشان چیزی نمی گویند.

۱- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

ص: ۵۷

امام باقر (ع) می فرماید: «من هر چه می گویم از پدرم، هر چه پدرم می گوید از پدرش و هر چه او می گوید از پدرش و هر چه او می گوید از امیرالمؤمنین (ع) و هر چه امیرالمؤمنین (ع) می گوید از رسول خداست» و رسول خدا هم «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۱)» امام باقر و ائمه دیگر ما (ع) از خودشان چیزی ندارند، تمام مستند به وحی است؛ پس گفتارشان تضمین دارد و بیمه شده است.»

مراحل استفاده ی صحیح از احادیث عترت طاهره (ع)

اشاره

برای استفاده از احادیث عترت طاهره چند کار حساس و اساسی باید انجام بگیرد:

الف- گردآوری احادیث

۱- نجم/ ۳-۵. و از سر هوس سخن نمی گوید.* این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست.* آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت.

ص: ۵۸

کار اول، جمع آوری احادیث است که خود ایشان در مقدمه ی بحار می فرمایند: «کتب احادیث در سراسر نقاط اسلامی پراکنده و متشتت بود.» همت نشده بود که این ها جمع آوری بشود.

مرحوم کلینی^۱ از اصول اربعمائه استفاده کرد، جمع آوری، گلچین و تبویب کرد، ولی این تمام احادیث شیعه نبود، کتب دیگر هم بود و علامه مجلسی^۲ از قدرت و توان خود استفاده کردند و کتاب ها را از تمام کشورهای اسلامی جمع کردند. این خیلی کار عظیمی است. چقدر باید سرمایه گذاری بشود تا این مجموعه-ها از اقصی نقاط کشورها برای تفحص و تحقیق در اصفهان و نزد علامه مجلسی^۳ گردآوری گردد. تا انسان خودش برای جمع آوری مآخذ و مدارک اقدام نکند، متوجه نمی شود که چه کار سنگین و پرباری است.

ب- تثبیت احادیث به وسیله ی اسناد

ص: ۵۹

کار دوم، تثبیت احادیث به وسیله ی اسناد است. یک حدیث اگر مستند نباشد، اعتبار ندارد و برای مستند کردن روایات بایستی مرارت فراوانی را متحمل شد. اجازاتی که در این زمینه مطرح است واقعاً مسئله مهم و قابل تأملی است و بیان گر اهمیت نقش سند در حدیث است. به دست دادن پشتوانه و سند اخبار باعث اعتبار مجموعه و موجب اعتماد مراجعه کننده می شود. علامه در این باره کتاب رجال نوشته اند و موجب شگفتی است که این کتاب را داخل کجاوه، زمانی که از اصفهان به مشهد می رفتند، تدوین کرده اند.

ج- تبیین احادیث

کار سوم، مسأله تبیین احادیث است. فهم حدیث کاری بس مشکل است: «رحم الله من عرف معانی کلامنا؛ رحمت خدا بر کسی که درک کند ما چه می خواهیم بگوییم.»

نویسنده ای با استناد به حدیث «لا تطوفن بالقبور» به شیعه اشکال کرده بود که چرا دور قبر ائمه (ع) طواف می کنند. اما پس از بررسی دیدم روایت در باب احکام تخلی نقل شده و طوف یعنی قضای حاجت.

ص: ۶۰

این شخص، طوف را به معنای طواف گرفته بود، در حالی که معنای حدیث این است که: روی قبرها قضاء حاجت نکنید.

نهمیدن لغت، کلام و مقاصد ائمه معصومین (ع)، یک بلای بزرگی است و خسارت‌های سنگینی را به معارف اسلامی و انسانی وارد کرده است. از اول تا آخر بحار را باید بخواند تا بداند تبیین به چه کیفیت انجام گرفته است.

نقل است: مرحوم آقا سید محمد صادق که از مدرسین بزرگ اصفهان و از شاگردان میرزا مرحوم آخوند خراسانی بوده اند (که بعضی نگارش متن کفایه را به ایشان نسبت می دهند، البته بیانات از مرحوم آخوند بوده) ایشان فرمودند: «علامه مجلسی شاگرد خانه یا اهل بیت (ع) بوده، شاگرد خانه کسی است که زبان صاحب خانه را بهتر می فهمد، حتی ایما و اشاره صاحب خانه را خوب درک می کند، و واقعاً این گونه است. وقتی انسان مراجعه می کند که ایشان آن اخبار مشکل را با چه قلم شیوا و رسایی تبیین کرده اند، بر علامه آفرین می گوید و این نیست مگر به سبب عشق و علاقه ی شدید مجلسی □ به ائمه ی اطهار (ع) که ایجاب می کند ایشان در احادیث ذوب بشود و معانی آن ها را لمس کند.

د- استفاده از قرآن برای سنجش احادیث

اما کار دیگری که می‌بایست انجام می‌گرفت، ارائه میزان برای قبول یا رد اخبار بود. میزان سنجش صحت و سقم یک حدیث، قرآن است. «هما لن یفترقا» و «اعرضوه علی القرآن ما وافق القرآن فخذوه و ما خالف القرآن فاضربوه علی الجدار.»

مرحوم علامه از روی بینش و درایت، وقتی می‌خواهند وارد یک باب و یک بحث بشوند، اول میزان را ذکر می‌کنند. بحار را برای مردم عادی نوشتند! بحار کتابی است برای استفاده‌ی دانشمندان، یعنی هنگام مطالعه‌ی بحار بایستی ابتدا به میزان توجه نمود و سپس با تأمل و تفکر، درباره‌ی حدیث قضاوت کرد، نه این که بدون توجه به میزان کسی به خود اجازه بدهد که به علامه دهن کجی کند و بنویسد «شلت یداک»^(۱) و بگوید که چرا این روایت را نقل کردی. خدا می‌داند

۱- - تعجب ما از دکتر شریعتی است که در کتاب‌های «نامه‌ای به پدر» و «حسین وارث آدم» بسیار بر علامه حمله می‌برد به گونه‌ای که اشک از دیدگان خواننده جاری می‌شود. آری بنابر پرتو کتاب مصوب ۱۸۹۶ میلادی سران یهود عالم می‌گویند: «ما اراده قاطع نموده ایم که با استفاده از راه‌های گوناگون به شخصیت و احترام دانشمندان دینی لطمه وارد نماییم و آنان را از چشم مردم ساقط کنیم و این بهترین راه برای جلوگیری از موفقیت آنان در رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های رسالتشان می‌باشد». در اینجا دو جمله از او می‌آوریم: «من گاندی آتش پرست را بیشتر لایق شیعه بودن می‌دانم تا آیت‌الله بهبهانی و بدتر از او علامه مجلسی را و چه می‌گوییم؟ مجلسی سنی است و امام احمد حنبل ... از او شیعی-تر است.» با مخاطب‌های آشنا، ص (نامه‌ای به پدر)، ص ۱۲. «من تعجب می‌کنم که شما در نامه‌تان نوشته‌اید: اگر امثال مجلسی و دیگر ملاهای درباری را در عصر صفویه برای عملی که در ظاهر به نظر خلاف می‌آید، بدون در نظر گرفتن شرایط زمان تخطئه کنیم ... برای شیعه چه و که می‌ماند.» همان، ص ۱۰.

ص: ۶۲

که چه ظلمی به علامه ی مجلسی شده است. این قدر یک انسان احتیاط را بکند، با دقت و سبکی عجیب اسناد را بررسی کند، حدیث را تبیین کند، میزان و مقیاس هم قرار بدهد، تازه مورد اهانت قرار بگیرد. این ظلم است و چه ظلمی از این بالاتر به یک محقق و نویسنده ی اسلامی، خدا کند کنگره ای تشکیل بشود فقط برای دفاع از حریم علامه ی مجلسی، همان طور که موالی مجلسی □ مظلوم بودند خود مجلسی □ هم مظلوم است.

ه- ترجمه ی احادیث

ص: ۶۳

اما مرحله دیگر و کار آخر، ترجمه‌ی احادیث است. این احادیث باید در اختیار مردم قرار بگیرد و عموم مردم از آنها استفاده کنند، این هم کار بسیار مهم و بزرگی است. فکر نکنید ترجمه کردن کار آسانی است، ما در زبان فارسی بسیار کم تر از زبان عربی لغت داریم، آیا می‌توان در سده‌ی یازدهم نثر ترجمه شده و سلیس فارسی را به این دقت پیدا کرد.

توفیق علامه در اصلاح جامعه

در خاتمه، عبارت «زهرالریع» مرحوم سید نعمت الله جزایری را، که از معاصران علامه بوده اند نقل می‌کنم، ایشان می‌فرمایند: «شاه می‌خواست برای خودش ولی عهد معین کند و موفق نشد: «فلم يتفق له ما اراده، نعم اتفق لولده السلطان المؤید الشاه سلیمان نصره الله تعالی الی آخر الزمان فانه عین فی هذا الوقت شیخنا المحقق المحدث صاحب بحارالانوار المشتمل علی ما یقرب من ثلاثین مجلدتً شیخ الاسلام و رُجعت الیه الاحکام الشرعیه فقام بها و بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر، فکسر الاصنام الّتی کانت تعبد و ارق الخمر و احرق الحشیشة و نحوها من المحرمات و الحمد لله علی رجوع الامر الی اهله بما تمادی

ص: ۶۴

السنین و الاعوام.» از این عبارت توفیق علامه در مبارزه با مظاهر شرک، نفاق و مفسد اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر و مسکرات روشن می شود.

قوه ی اجرایی علامه برای اجرای طرح خود

برای هر مُصلحی که بخواهد در جامعه اصلاح بکند، طرح و قوه ی اجرایی لازم است. علامه طرحش را از قرآن و اهل بیت (ع) گرفت. حالا- قضاوت کنید که آیا برای قوه ی اجرایی سراغ سلطان در دستگاه حکومت برود یا نرود؟ اگر در دستگاه حکومت نرود، قوه ی مجریه ندارد، قوه مجریه نداشته باشد، نمی تواند علوم اهل بیت (ع) را اجرا کند و جامعه را اصلاح نماید. اگر شما هم به جای علامه مجلسی □ بودید، زمان اقتضا می کرد که از آن قوه ی مجریه استفاده کنید تا بتوانید این برنامه ها را اجرا کنید.

امیدوارم خداوند به ما توفیق بدهد از برکات علامه مجلسی - رضوان الله تعالی علیه- استفاده کنیم و امیدوارم ان شاء الله در فرصت های دیگر خدمات علامه به تفصیل معرفی شود. (۱)

خدمات علامه مجلسی به جامعه تشیع

خدمات علامه مجلسی به جامعه تشیع (۲)

۱- یادنامه ی مجلسی، ج ۳، ص ۳۰۵ تا ۳۱۰.

۲- به پیروی از سخن استاد بزرگوار که فرمودند: امیدوارم ان شاء الله در فرصت های دیگر خدمات علامه به تفصیل معرفی شود در این قسمت از کتاب خدمات علامه را به جامعه تشیع می آوریم.

ص: ۶۵

بدون تردید علامه مجلسی □ از نادر کسانی بود که خداند او را برای حفظ آثار و معارف مکتب اهل بیت رسالت (ع) برانگیخت، چنانکه تاریخ شیعه مانند او را کمتر به خود دیده است. مسلماً اگر خدمات و اقدامات ارزنده ی او نبود فرهنگ شیعه امروز بدین حد از شکوفایی و عظمت نرسیده بود. اینک به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز به پاره ای از خدمات و زحمات گرانبهای این فقید علم و فرهنگ، نگاهی گذرا می افکنیم.

(۱) در هم شکستن هیبت و صولت صوفیه:

در دوران صفویه، صوفیه قدرتی فراگیر به دست آورده بودند و پادشاهان این خاندان از آنجا که به هر دلیل سیاسی یا اعتقادی و ... به وجود آنان نیاز مبرمی داشتند. گذشته از آن که از پیشرفت و نفوذ آنان جلوگیری نمی کردند، حتی به آنان پروبالی داده و پشتیبانی شایانی نیز از آنها به عمل می آوردند؛ زیرا از نفوذ معنوی آنها در میان مردم بهره

ص: ۶۶

برداری سیاسی می کردند. درست همان گونه که سلاطین عثمانی از سلسله نقشبندیه و دراویش بکتاشیه استفاده میکردند؛ ولی گسترش افکار و نفوذ اجتماعی آنان در کشور، اندراس و در نهایت برجیده شدن معارف پر بار اهل بیت رسول خدا (ص) را در پی داشت، درست در همین مقطع خطرناک و حساس تاریخ شیعه بود که وجود دانشمندی توانا، آگاه، شجاع و دارای احاطه ای وسیع و عمیق به فرهنگ و آثار ائمه طاهرین (ع)، لازم می نمود که به پا خیزد و با این گونه افکار بی محتوا و منحرف به مبارزه پرداخته و راه را برای اعتبار بخشیدن دوباره به تشیع و شعائر اسلامی هموار نماید و در این راه از هیچ قدرتی اعم از سلاطین وقت و کارشکنی اطرافیان آنان و جهل و تعصب عامه ی مردم و تحریکات شیوخ صوفیه و ... نهراسد و این حقیقتی است انکارناپذیر که برای این امر خطیر، کسی جز علامه مجلسی □ ساخته و پرداخته نشده بود که به خوبی از عهده ی کار برآمده و صولت روز افزون آنان را در هم شکست. (۱)

(۲) تألیف دائره المعارف بزرگ بحار الانوار

۱- برای اطلاع از گفتار علامه (درباره صوفیه): اول رساله ی اعتقادات؛ حق الیقین، صفت هفتم از صفات سلویه خداوند؛ عین الحیوه، لمعه هشتم و مصباح پنجم رجوع کنید.

ص: ۶۷

جمع آوری و موضوع بندی و تبویب و تقسیم اخبار و احادیث همراه با آیات متناسب با آنها در این مجموعه ی حدیثی و نقل اقوال مفسرین و جرح و تعدیل گفتار حکما و متکلمین در آن و انتقال قرآن و حدیث به نسل های آینده، او با این عمل خود معارف اصیل تشیع را از خطر از بین رفتن، رهایی بخشید و به وسیله ی نقل از جوامع حدیث شیعه و یا نسخه برداری و گنجیندن عین آنها در لابلای بحار به احیای آثار سلف صالح اقدام شایسته ای نمود و بسیاری از آنها را از خطر فراموشی و انهدام نجات داد.

(۳) - به تدریس کتب حدیث و حل مشکلات آنها پرداخت.

(۴) - به تربیت و آموزش بیش از یک هزار تن از علما که هر کدام بعد از وی در بخشی از سرزمین های پهناور اسلامی، رهبری دینی مردم را به عهده گرفتند، اقدام نموده و با بیانات و تألیفات خود خلق بسیار را از گرداب هلاکت رهایی بخشید.

(۵) - در موضوعات گوناگون معارف اسلامی: فقه، تفسیر، کلام، حدیث، تاریخ، دعا و ... دست به تألیف کتابهای بی شماری زد.

(۶) - با ایراد سخنرانی های ارزنده و مداوم در مراکز مذهبی و مساجد شخصاً به ارشاد و هدایت عامه ی مردم اقدام فرمود.

ص: ۶۸

- (۷) - با اقامه ی نماز جمعه، جماعت، رونق مساجد، محافل مذهبی و نوسازی و بنای مساجد توجه شایانی مبذول می داشت.
- (۸) - با بیانی ساده و در خور فهم عامه ی مردم، به سؤالات آنان جواب داده و نکات مبهم مشکلات آنان را حل می نمود.
- (۹) - برای حل معضلات کتب اربعه شیعه که مدار عمل امامیه بر آن قرار گرفته است، توجه و حساسیت خاصی از خود نشان می داد چنانکه به کافی و تهذیب شرح نوشت.
- (۱۰) - ترجمه و نشر معارف اهل بیت (ع) به زبان ساده ی فارسی، برای مردمی که تازه با تشیع و معارف ائمه هدی (ع) آشنا شده، ولی به دلیل عربی بودن مصادر و منابع از استفاده ی آنها محروم بودند.
- (۱۱) - جایگزین ساختن مجالس وعظ و امر به معروف و نهی از منکر با قهوه خانه ها و میخانه ها و بت خانه که در آن روزگار بسیار شایع و محل تجمع مردم آن عصر شده بود.
- (۱۲) - استفاده از موقعیت و نفوذ خود برای پشتیبانی و دفاع از ستمدیدگان در برابر ستمگران و استیفاء حقوق آنان.

ص: ۶۹

(۱۳) - تأمین احتیاجات مردم و قبول عرایض و رسیدگی به امور آنان. (۱)

منابع و مأخذ

۱- مقدمه کتاب حق‌الیقین، زندگی نامه علامه به قلم: ناصرالدین انصاری، ص ۱۵-۱۷.

ص: ۷۰

• قرآن کریم

۱. بحارلانوار، مجلسی، محمد باقر، دارالاحیاء التراث العربی-بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲. حق‌الیقین، مجلسی محمد باقر، نشر ذوی القربی، چاپ اول.
۳. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
۴. صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.
۵. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۶. کشف الغمه، اربلی، علی بن عیسی، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ق.
۷. مرجعیت دینی اهل بیت (ع) و پاسخ به شبهات، رضوانی علی اصغر، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۸. معالم الاصول، حسن بن الشهید الثانی، دارالفکر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ق.

ص: ۷۱

۹. الوافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، کتابخانه امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۰. یادنامه علامه مجلسی، مهدی مهریزی و هادی ربانی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

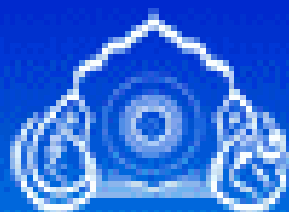
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

